

تأثیرات سیاسی - اجتماعی صرخی‌ها در عراق

حمیدرضا اسلامی^۱

امیر قلی‌زاده^۲

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۲، پیاپی ۷۸، تابستان ۱۳۹۸؛ صفحات ۷۱-۴۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱

چکیده

تحولات عراق به عنوان مهم‌ترین همسایه جمهوری اسلامی ایران همواره حائز اهمیت بوده است. این پژوهش به منظور بررسی جریان ضد ایرانی صرخی در عراق تهیه شده است. پژوهش پیش رو در راستای فهم بهتر افکار و اندیشه‌های این گروه به توصیف و بررسی آرا و اندیشه‌های «محمود صرخی»، رهبر این جریان پرداخته و در این مسیر از سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و متن‌های انتشار یافته در صفحات مجازی متعلق به وی بهره گرفته است. این تحقیق با مشخص کردن نگاه جریان صرخی به سیاست‌های ایران در عراق، نشان دادن ابزارهای مورد استفاده آنها، بیان چگونگی گفتمان چالش‌آفرین این گروه نسبت به منافع جمهوری اسلامی ایران در عراق، به دنبال افزایش آگاهی نسبت به خطرات این قبیل جریان‌هاست. شناخت بیشتر طیف‌هایی که گرایش‌های ناسیونالیستی و قومی پررنگی داشته و سهمی در بدنه اجتماعی عراق دارند و غالباً با اهداف جمهوری اسلامی ایران همراهی نمی‌کنند و همچنین شناخت بیشتر عوامل تهدیدزا نسبت به منافع ملی ایران و بالا بردن حساسیت‌ها نسبت به این جریان‌ها از اهداف این پژوهش برشمرده می‌شود.

واژگان کلیدی

عراق، جریان صرخی، امپراتوری فارسی، عربیت، ناسیونالیست

۱. پژوهشگر کارگروه عراق، مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور
۲. پژوهشگر کارگروه عراق، مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور



مقدمه

ایران با دارا بودن بیش از ۱۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق و وجود پیوندهای عمیق مذهبی، قومی و اجتماعی میان دو ملت دارای روابط ویژه‌ای با همسایه غربی خود طی قرون گذشته بوده است؛ روابطی که در طول تاریخ تحت تأثیر حاکمان دو کشور به‌ویژه حاکمان عراقی، با فراز و فرود فراوانی روبرو شده است. تاریخ تعاملات ایران و عراق انعکاسی از پیچیدگی‌های گوناگون است. پس از استقلال عراق و همسایگی آن با ایران، روابط دو کشور به استثنای دوران پادشاهی در عراق همواره متشنج بوده است، به گونه‌ای که عراق در قرون گذشته به‌عنوان پیکان تهاجم به سوی ایران عمل کرده و کشور ایران همواره از جانب همسایه غربی خود مورد تهدید و هجوم قرار می‌گرفت. این تشنج به‌ویژه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ اوج گرفت و سرانجام به جنگی تمام‌عیار تبدیل شد که از سوی حزب بعث به ایران تحمیل گردید. روابط متشنج دو طرف سبب شد تا آنها از ابزارهای گوناگونی برای تضعیف یکدیگر استفاده کنند. یکی از مهم‌ترین این ابزارها «بهره‌گیری از گروه‌های معارض در دو کشور» بود.

یکی از ابعاد روابط میان دو کشور استفاده از جریان‌های سیاسی معاند علیه یکدیگر بوده است، تا جایی که هر دو کشور در راستای مقابله با طرف مقابل تلاش می‌کردند تا از این ابزار علیه دیگری به خوبی بهره‌برداری کنند. گفتنی است که ایران در این زمینه موضع انفعالی داشته و مجبور می‌شد برای مقابله با اهداف توسعه‌طلبانه و مداخله‌جویانه عراق نسبت به خود از جریان‌های معاند استفاده کند. از سوی دیگر، استفاده از این جریان‌ها به‌نوعی واکنش و مقابله به مثل در برابر استفاده ابزاری حکومت‌های عراق از جریان‌های ایران‌ستیز در گذشته بوده است. روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ نقطه عطفی در این زمینه به حساب می‌آید. این حزب با دارا بودن جریان فکری خاص خود نگاه مثبتی به همسایه شرقی‌اش نداشت و بر اساس دیدگاه قومی به نوعی برتری در

تعامل با همسایه شرقی خود قائل بوده و خواستار انضمام بخش‌هایی از خاک کشور همسایه به قلمرو جغرافیایی خود بود.

رژیم پهلوی در مقابله با زیاده‌خواهی‌ها و تحرکات حزب بعث، کوشید تا از جریان‌های معاند حاکمیت عراق استفاده کند که در این زمینه می‌توان به تسلیح و کمک‌های مالی رژیم پهلوی به حزب دمکرات کردستان به رهبری «ملا مصطفی بارزانی» اشاره کرد. دو کشور استفاده متقابلی از جریان‌های معاند علیه یکدیگر داشتند. در این زمینه می‌توان به استفاده ابزاری حاکمیت بعث از جریان‌اتی مانند حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در خلال جنگ و پس از آن اشاره کرد. جمهوری اسلامی ایران در راستای مقابله با استفاده رژیم بعث از جریان‌های ایران‌ستیز، با استقبال از گروه‌های شیعه معاند رژیم صدام حسین و همچنین آسرای تواب، لشکر ۹ بدر را در مقابله با اقدامات صدام حسین سازماندهی کرد؛ به گونه‌ای که صدام حسین در جلسه شورای حزب بعث حمایت از منافقین را در مقابل حمایت جمهوری اسلامی ایران از لشکر ۹ بدر عنوان کرده بود. جمهوری اسلامی ایران همچنین از جریان‌ات گردی علیه حاکمیت حزب بعث استفاده کرد که در این زمینه می‌توان به همراهی جریان‌ات گردی با ایران در خلال جنگ تحمیلی علیه رژیم صدام اشاره کرد.

حمله آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط رژیم بعث در عراق نقطه عطفی در تاریخ معاصر این کشور به حساب می‌آید. سقوط حاکمیت حزب بعث زمینه را برای ورود مکونات جمعیتی (شیعه و کُرد) که در زمان حاکمیت این حزب و همچنین در دوران ۴۰۰ ساله حاکمیت اهل سنت نقشی در اداره کشور عراق نداشتند، فراهم کرد. حضور جریان‌ات شیعه و کُرد معاند رژیم صدام حسین در ایران به مدت طولانی و رابطه حسنه جمهوری اسلامی ایران با این جریان‌ات فضای مناسبی را برای نقش‌آفرینی بازیگری به نام «جمهوری اسلامی ایران» در ساخت صحنه سیاسی جدید عراق ایجاد کرد. با حمایت‌های



جمهوری اسلامی ایران از جریانات همسوی شیعه و کُرد، ساختار سیاسی جدید بر پایه «سیاست دوستونی» یعنی همراهی کُرد و شیعه و در سایه مشارکت ضعیف اهل سنت در ساختار جدید شکل گرفت.

بنابراین، سال ۲۰۰۳ و پس از آن را باید نقطه عطفی در شکل‌گیری جریان‌های ایران‌ستیز در عراق به شمار آورد. ویژگی اصلی ایران‌ستیزی که در دوره‌های گذشته به‌ویژه دوران حاکمیت حزب بعث وجود داشت نوعی خصومت و دشمنی علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی ساختارهای رسمی این کشور بود که در قالب حاکمیت این حزب تجلی می‌یافت. در کنار این نوع از ایران‌ستیزی که ویژگی رسمی و حکومتی داشت، جریانات معاند ایرانی هم در عراق حضور داشتند که با حمایت صدام علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کردند، اما موضوع اصلی قابل توجه این است که جریان‌ها و گروه‌های عراقی ایران‌ستیز در طول این دوران وجود نداشتند. با سقوط حاکمیت حزب بعث شاهد شکل‌گیری جریانات عراقی ایران‌ستیز به‌ویژه در میان اهل سنت عراق بودیم که میراث‌دار گفتمان حزب بعث در قالب «برتری عرب بر عجم» و وجود نوعی ناسیونالیسم عربی قوی بودند. به تدریج بر تعداد جریانات ایران‌ستیز در عراق افزوده شد. آنچه باید به آن اشاره کرد اینکه تشکیل این جریانات مولود شرایطی بود که در عراق پس از ۲۰۰۳ بروز و ظهور یافت؛ هر چند که در این زمینه نباید از نقش کشورهای معاند جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس غافل شد.

جایگاه صرخی‌ها در عراق

جریان صرخی، بر خلاف آنچه در رسانه‌های آنها وانمود می‌شود، پایگاه اجتماعی گسترده‌ای در میان شیعیان عراق ندارد. پایگاه اجتماعی جریان صرخی بیشتر در استان‌های دیوانیه، کربلا، بصره، میسان و بغداد است. در این مقاله علاوه بر توصیف وضعیت جریان صرخی، سعی بر آن است تا به برخی سؤالات نسبت به این مقوله پاسخ داده شود: میزان اثرگذاری این جریان بر ضد منافع ملی جمهوری

اسلامی ایران تا چه میزان است؟ چگونه می‌توان با فعالیت‌های ضد ایرانی جریان صرخی مقابله کرد؟

تاریخچه

«محمود حسنی الصرخی» که نسب خود را وابسته به امام حسن مجتبی (ع) می‌داند، متولد سال ۱۹۶۴ میلادی (۱۳۴۳ شمسی) در کاظمین می‌باشد. او در رشته مهندسی عمران از دانشگاه بغداد فارغ التحصیل شد و با تشویق افرادی چون «شیخ یعقوبی» وارد حوزه علمیه نجف شد و از محضر شهید «سید محمدصادق صدر» بهره گرفت. وی تألیفاتی در زمینه اصول فقه، اخلاق، تفسیر قرآن و رساله علمیه منتشر کرده است. صرخی خود را به‌عنوان یک مرجع عراقی و عربی مطرح می‌کند. دلیل او برای به‌کارگیری چنین واژگانی، مطرح کردن و معروف ساختن خود در مقابل مراجع غیرعراقی و غیرعرب حوزه نجف اشرف به‌ویژه «آیت‌الله سیستانی» است. در واقع، به‌کارگیری این گفتمان در راستای گفتمان قومی حزب بعث و ملی‌گرایان عرب است که اعتقاد به مرجع عربی در مقابل مراجع غیرعرب حوزه نجف اشرف داشتند. سیدمحمود الحسنی الصرخی را باید جزء شخصیت‌های دینی عرب دانست که دارای گرایشات قومی افراطی بوده و همچنین نگاهی غیرطایفی داشته و در راستای حمایت از اهل سنت عراق نیز گام‌هایی برداشته است. در واقع، دیدگاه‌های فکری «سیدمحمود حسنی الصرخی» در این زمینه برگرفته از آرا و افکار جریان صدر است، به‌گونه‌ای که با مقایسه آرای این دو جریان می‌توان به تحت تأثیر قرار گرفتن سیدمحمود حسنی الصرخی از افکار شهید سید محمدصادق صدر و متعاقب آن جریان صدر اشاره کرد.

رویکرد و عقاید جریان صرخی

■ نگاه قومی - ملی

عراق، کشوری عربی بوده و ریشه در جهان عرب دارد و به‌طور طبیعی گرایش



مردم عراق به سمت جهان عرب سوق یافته است. مشترکات زبانی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از دیگر عوامل تقویت‌کننده روابط عراق با جامعه عربی است. در دوران حاکمیت بعث تبلیغات گسترده‌ای برای ایدئولوژی ملی‌گرای صوری صورت می‌گرفت و با در نظر گرفتن جنگ عراق و ایران، بر اهمیت این امر افزوده شد. اکثریت مردم عراق را «شیعیان» تشکیل می‌دادند که نقطه مشترکی بین شیعیان عراق و ایرانیان به شمار می‌رفت؛ از این رو، با تقویت گفتمان ملی‌گرای به دنبال تضعیف گفتمان توحیدی شیعه بودند. این تبلیغات گسترده، به نوبه خود بر ذهن طیفی از شیعیان عراق هم تأثیرگذار بوده است. برخی افراد از موج‌های ایجاد شده استفاده کردند تا نام خود را بر سر زبان‌ها بیاندازند^۱ و با مخالفت با ایران، علامت و نشانه‌ای برای خود تعریف کنند که همان مخالفت با نفوذ ایران در عراق در تمام اشکال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی است. جریان صرخی که در صفحات پیش رو به آرا و اندیشه‌های آن می‌پردازیم، از لحاظ فکری به این طیف‌ها وابستگی‌هایی دارد.

■ موضع جریان صرخی درباره دولت عراق

جریان صرخی ایران را نیز در کنار آمریکا به عنوان اشغالگر عراق می‌داند و در این زمینه با توجه به شکل گرفتن ساختار حاکمیتی جدید تحت سایه اشغالگر آن را نپذیرفته و رد می‌کند. دیدگاه وی در این زمینه نزدیک به جریان‌ات سنی ایران‌ستیز و بازماندگان حزب بعث است. وی در این زمینه می‌گوید:

«سیاستمداران عراقی که بر سر ایران شرط‌بندی می‌کنند، احمق‌ترین افراد هستند. ایران در هر درگیری سریع‌تر از سوریه و موصل شکست می‌خورد. آمریکا، عربستان و ایران دخالت در عراق را اینگونه توجیه می‌کنند: «برای منافع، امنیت ملی و طرح‌های خاص و عام خود». اما سیاستمداران خائن چگونه خیانت خود را به عراق و مردم در جهت منافع کشورهای دیگر توجیه می‌کنند؟ یک سیاستمدار

۱. سخنی معروف در جامعه عراقی وجود دارد که مضمون آن این است: مخالف تعرف (مخالفت کن تا معروف شوی).



باید با توجه به شرایط و اوضاع خونبار و اسفباری که بر عراق و مردم ستمدیده این کشور حاکم است؛ تعارفات پوچ و دورویی سیاسی را کنار بگذارد. باید با خود و دیگران صادق باشد؛ درد و بیماری غیرقابل درمان و غده سرطانی فرساینده در پیکر عراق و مردم آن را بشناسد. به‌طور آشکار و شفاف، وجود اشخاص، نمادهای دینی، مراجع، جنبش‌ها، سازمان‌ها و احزاب را اعلام کند. فرصت‌طلبان مزدوری را که تنها به منافع شخصی خود توجه کرده و برای دستیابی به منافع خود هیچ مانعی نمی‌بینند که حتی با شیطان اشغالگر آمریکایی و غربی، ایران یا هر کشور دیگری همدست شوند را معرفی کند؛ حتی اگر این همدستی به قیمت تکه تکه کردن عراق و مردمش، خونریزی، مرگ و هتک حرمت باشد.^۱

در نگاه جریان صرخه، عراق در کنار اشغال توسط آمریکا، از سوی بازیگری دیگر به نام «جمهوری اسلامی ایران» مورد اشغال واقع شده است که این نوع از اشغال را «اشغالگر صفوی» می‌نامد که از اشغال عراق توسط آمریکا سخت‌تر و شدیدتر است. وی در این زمینه بیان می‌دارد: «ما تحت اشغال شبه‌نظامیان صفوی و داعش تکفیری قرار گرفتیم و هر کس که با این دو اشغالگر روبرو شود و مخالفت کند و خواستار راندن آنها از عراق و بازگشت به فضای عربی شود، محرکی است برای طمع‌کاران توسعه‌طلب در راستای به‌کارگیری انواع فشارهای سنگدلانه نظیر زندان، بازداشت، ربودن، قتل، تصفیه‌حساب و فشار بر وی و پیروانش. شکر خدا که توانستیم به رنج مردم ستمدیده عراق، مهاجران، آوارگان و پناهندگان توجه کنیم و به‌اندازه توان راه‌هایی برای آسان‌تر کردن زندگی آنها فراهم کنیم.

سیاستمداران یا مردان حکومت ایران ادعا می‌کنند که سبب دخالت آنها در عراق، رفع خطر و آسیب اشغال استکباری است که همیشه در انتظار و کمین

۱. بوادرالنصر، المرجع العراقي العربي الصرخي الحسني (الآن بعض السياسيين بعض المسئولين في الدولة التفتوا الى هذا الامر ظاهرا الآن خذوا خطي متسارعه او خطي متواضعه مبتعدين عن ايران مقتربين الى الاميركان و الى الحلف الاخر و... اذا بقيت الحياه و بقينا فالقادم سيكون على ايران ستشضي ايران سنتهي ايران سننهيار ايران اسرع من انهيار الموصل امام الدواعش...





ایران است (مانند سایر دولت‌های اسلامی و مستضعف) و منتظر فرصت مناسب برای ضربه زدن به ایران و چپاول آن، در جهت تحقیر، به بردگی کشیدن، غارت ثروت‌ها و مصادره ارزش‌ها، دین، اخلاق، کرامت و نوامیس آن می‌باشد.^۱ او فشارهای وارد شده بر خود و پیروانش را برای رد کردن این اشغالگری می‌داند و می‌گوید:

«مرجع عراقی عرب (صرخی) تحت فشارهای شدید و مورد نفرت و دشمنی است، زیرا که اشغال آمریکایی و ایرانی و هر فکری که در راستای تداوم این اشغال است را نمی‌پذیرد. او مخالف طایفه‌گری، قتل، مهاجرت اجباری، زندان، بازداشت و هر نوع کشتاری است که تحت عنوان اسم و هويت و مباح شمردن محرمات صورت می‌گیرد. این فشارها نتیجه طبیعی مخالفت و تاوان اجتناب‌ناپذیری است که بر السید الصرخی و پیروان او می‌گذرد.»^۲

■ نگاه صرخی نسبت به جمهوری اسلامی ایران

مواضع ضد ایرانی «سید محمود حسنی صرخی» را می‌توان یکی از عوامل شهرت وی دانست و هواداران او نیز سخنانش را منتشر و تبلیغ می‌کنند. هوادارانش او را چنین معرفی می‌کنند:

«صرخی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مخالفان سلطه ایران بر عراق شناخته شده و همان دیدگاه را علیه سیاسیون و مراجع شیعه عراق طرفدار نظام ولایت فقیه دارد. وی ضد ایران (منظور نظام ایران، نه مردم ایران)، طرح‌ها، دخالت‌ها و سیاست امپراتوری توسعه‌طلبانه آن علیه کشورهای منطقه است، زیرا ایران با کاشت بذره‌های فتنه، ایجاد اختلاف و درگیری‌های مذهبی و قومی در کشورهای مورد نظر^۳ به دنبال اهداف خود می‌باشد. سید محمود

۱. من علی شاشه قناه التغبیر الفضائیه، الاثنین ۲۰۱۵/۸/۱۷: <http://www.al-hasany.com>

۲. وکاله اخبار العرب ۲۰۱۵/۱/۱۳، و یتنشر علی

- plus.google.com/+alhasany

- <https://www.facebook.com/alsrky.alhasany>

۳. نداء الی الشعوب العربیه (اقول لابنائی و اعزائی الشعوب العربیه: احذروا الفتن و...) مقتبس من اللقاء الذی

اجرته صحیفه الشرق مع سماحه المرجع الدینی العراقي السید الصرخی الحسنی ۲۰۱۵/۳/۱۷

حسنی الصرخی مزدوری بیگانگان، وابستگی به ایران و تن دادن به دستورات آن را نپذیرفت. او ضد شیعه صفوی است. او در واقع یک مرجع عرب عراقی است.^۱

در نگاه صرخی، ایران به دنبال تشکیل امپراتوری خود در منطقه بوده و در این زمینه عراق نیز به عنوان یکی از اهداف اصلی ایران به شمار می‌رود. صرخی در این زمینه از اصطلاح «امپراتوری صفوی»^۲ استفاده می‌کند که برآمده از یک نگاه قومی است. او در این باره می‌گوید:

«ایران تحریک‌کننده بحران‌ها و درگیری‌های مذهبی در کشورهای همسایه است و همه این اقدامات را در جهت اجرای طرح توسعه‌طلبانه امپراتوری خود انجام می‌دهد. چنانچه اخیراً اعلام کرد که به دنبال تأسیس امپراتوری فارسی^۳ است که پایتخت آن بغداد می‌باشد. دخالت ایران در امور عراق دارای دلایل، ریشه‌ها و جاه‌طلبی‌های تاریخی است که تکیه بر وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ای دارد. این دخالت نتیجه زنجیره‌ای از عوامل است، نه یک علت. باید به یاد داشته باشیم که ایران نویسنده طرح امپراتوری‌ای است که پایتخت آن عراق می‌باشد. ایران از روزهای اول اشغال و قبل از جنایت انفجار حرم امامین عسکریین در سامرا، برای محافظت از مرزهای امپراتوری خیالی خود، با ایجاد

۱. در نگارش این مقاله از بیانات، موضع‌گیری‌ها و سخنان «سید محمود الصرخی» به صورت نقل قول مستقیم استفاده شده و در این زمینه دخل و تصرفی صورت نگرفته است.

۲. «امپراتوری صفوی» عبارتی است که توسط جریان‌های بعثی علیه حضور ایران در عراق استفاده می‌شود.

۳. این عبارت که توسط گروه‌های ضد ایرانی در عراق رواج یافته است، نتیجه سخنان غیرمسئولانه وزیر اطلاعات و مشاور رئیس‌جمهور در امور اقلیت‌های مذهبی است. سخنان وی در اسفندماه ۱۳۹۳ در رابطه با امپراتوری ایران و... واکنش‌های شدیدی را علیه ایران بوجود آورد و از مسئولین عراقی تا رسانه‌ها و روزنامه‌های کشورهای مختلف در این باره موضع‌گیری کردند. «ابراهیم جعفری»، وزیر خارجه نزدیک به جمهوری اسلامی ایران، اعلام کرد: «عراق کشور مستقلی است که توسط مردمش اداره می‌شود. کشور ما با تمامی همسایگانش از جمله ایران روابط حسنه‌ای دارد. عراق به هیچ کس یا کشوری اجازه دخالت در امور داخلی یا نقض حاکمیت این کشور را نمی‌دهد.» به هر حال سخنانی از این دست هزینه‌های فراوانی را بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تحمیل خواهد کرد و به نوعی آب به آسیاب دشمن ریختن است.



درگیری، جنگ و حملات فرقه‌ای اول در سال ۲۰۰۶ و به دست گرفتن ابتکار عمل و ایجاد خطوط دفاعی بی‌شمار به دنبال اجرای این نقشه می‌باشد.^۱ نگاه صرخی در این زمینه مبتنی بر نوعی نگاه قومی مبنی بر عجم بودن و از بُعد دیگر مطرح ساختن واژگان صفوی برای رساندن این پیام است که ایران دارای نوعی نگاه خاص به مذهب شیعه است که وی آن را «شیعه صفوی» می‌نامد که در مقابل شیعه حقیقی و راستین قرار دارد.

«سید محمود حسنی الصرخی» در نگاه ایران‌ستیزانه خود به نوعی میان نظام و ساختار حکومتی و مردم ایران تفاوت قائل می‌شود. او در این زمینه با حمله به ساختار سیاسی حاکم، مردم را تحریک به مبارزه با ساختار حاکم می‌کند و خواستار کمک خارجی به مردم ایران برای مقابله با نظام حاکم است. وی در این زمینه بیان می‌دارد:

«ایران حکومت خود را با مشت آهنین و گلوله کنترل کرد؛ به گونه‌ای که اطلاعات، نیروهای بسیج وابسته به نظام و حامیان نظام، بر مردم مسلط شدند و با هر صدای مخالف و ضد سیاست سرکوبگرانه اقلیت‌های غیرفارسی مانند عرب، بلوچ و ... برخورد کردند. همچنین ایران تحریک‌کننده بحران‌ها و درگیری‌های مذهبی در کشورهای همسایه است و همه این اقدامات را در جهت اجرای طرح توسعه طلبانه امپراتوری خود انجام می‌دهد.

پشتیبانی مادی و معنوی از اقلیت‌های مظلوم و شکست خورده غیر فارس‌زبان و توانمند کردن آنها برای مواردی چون درخواست حقشان و رویارویی با نظام و روش آن، همراهی کردن با آنها در محافل بین‌المللی برای تصویب قطعنامه‌های بین‌المللی و دستیابی به استقلال، امنیت و آزادی اقلیت‌ها با حمایت بین‌المللی، جلوگیری از تجاوزگری‌های ایران، خشونت، برتری‌جویی و ابزار سرکوب و فراهم کردن زمینه برای فعالیت طوایف و اقلیت‌ها در جهت گرفتن حقوق قومی، ملی،



دینی و حق آزادی بیان، اندیشه، عقیده و پشتیبانی از مخالفان داخلی و هر صدای آزادی که روش و رفتار نظام و و برنامه‌اش را رد می‌کند لازم و ضروری است.

ای سیاستمداران حساب مردم ایران و حکومت را از هم جدا کنید. به سرعت برای ناکامی ایران در بحران سوریه و موصل با یکدیگر متحد شوید تا ایران در این دست‌اندازی بازنده باشد و روزگار گواه این مدعا است.^۱

«سید محمود حسنی الصرخی» بر اساس تصورات ذهنی خود سقوط حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را به‌ویژه در بُعد اقتصادی دور از ذهن ندانسته و زمان آن را نزدیک می‌داند. او در این زمینه چنین می‌گوید:

«صراحتاً بگویم که بازنده اصلی و بزرگ ایران است. از عمرشان چقدر باقی مانده است؟ آنها بیش از دو سوم لبنان، سوریه و عراق را از دست دادند که خسارت بزرگی است. ایران وارد جنگ خونباری شد که به سرعت بر سقوط اقتصاد ایران تأثیر گذاشت و مردم ایران تحت سلطه این سیاست غلط هستند و برخی سیاستمداران به این قضیه توجه کردند و گام‌های سریعی را در جهت مقابله با این بحران برداشتند. اگر زندگی ادامه داشته باشد و زنده بمانیم، نوبت بعدی نوبت ایران خواهد بود. ایران چند پاره خواهد شد. ایران به پایان خواهد رسید. ایران به سرعت سقوط خواهد کرد، مثل سقوط موصل مقابل داعش. ایران وارد عرصه بزرگ درگیری شده است. ایران از لحاظ اقتصادی نابود شده است. مردم ایران نمی‌توانند لقمه معیشت خود را تأمین کنند. اکنون ایران مشغول جنگی است که تأثیرگذار بوده است. ایران سقوط خواهد کرد. اقتصاد ایران به سرعت در حال نابود شدن است.»^۲

۱. بوادر النصر: <http://www.al-hasany.com>

۲. المرجع العراقي السيد الصرخي الحسني في الموضوع الايران: من يراهن و من يراهن على ايران فهو غبي واغبي الاغبياء، ايران حصان خاسر، من يراهن عليه فهو خاسر، ايران دخلت في ساحه صراع كبرى، ايران منتهيه اقتصاديه هالكه اقتصاديا، الشعب الايراني المسكين قد غلب على امره، الشعب الايراني الان حائر في لقمه العيش، الان ايران منشغله في حروب هنا و هناك حروب استنزاقيه سريعه التأثير، ستساقط ايران سيتهاوى الاقتصاد الايراني سريعا: <http://www.al-hasany.com>



■ راهکارهای عملی صرخی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران

شیوه اقدام جریان ایران ستیز صرخی ترکیبی از سیاه‌نمایی رسانه‌ای و همچنین انجام برخی اقدامات ایذایی و مسلحانه است. در زمینه اقدامات ایذایی و همچنین اقدامات مسلحانه جریان صرخی می‌توان به حمله به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در بصره و کربلای معلی و پایین کشیدن پرچم جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد.

صرخی در راستای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران طرحی را با عنوان «طرح رهایی» ارائه کرد. او طرح رهایی را در مصاحبه ویژه با روزنامه «بوابه العاصمه» در تاریخ ۲۰۱۵/۷/۱۸ اعلام کرد. وی در این طرح خواستار تصمیم‌گیری و طرح عملی برای نجات کشور و مردم عراق شده و تأکید کرد که اگر این بیانیه فعال نشود، هر طرح و نبرد تا زمانی که ایران در صحنه عراق بازیگری می‌کند اعتبار نداشته و با شکست روبرو می‌شود، زیرا مردم عراق خیانت ایران و شبه‌نظامیان وابسته به آن را تجربه کردند و چگونه مردمی که هیچ نیرو و توانی ندارند به وعده‌های دولت، آمریکا و ایران اعتماد کنند؟!

السید الصرخی در این زمینه بیان می‌دارد: «راه‌حل بحران، جلوگیری از گسترش نفوذ فارس‌ها و توقف همه طرح‌های توسعه‌طلبانه آنها در منطقه است. طرح رهایی دارای مفادی است که مهم‌ترین و اساسی‌ترین بند آن بیرون راندن ایران از بازی بین‌المللی در عراق و سوریه است، همراه با مکلف کردن ایران به پذیرش قطعنامه سازمان ملل برای جلوگیری از دخالتش در امور کشورهای همسایه. طرح رهایی متضمن صدور تصمیمی روشن و صریح است که در نهایت از ایران بخواهد از بازی در عراق خارج شود که یکی از گام‌های طرح رهایی به شمار می‌آید، زیرا ایران بزرگ‌ترین، بی‌رحم‌ترین، جنایت‌کارترین و سنگدل‌ترین اشغالگر و دخالت‌جو است.»^۱

او در این طرح خواستار بین‌المللی کردن مسئله عراق و در نهایت خروج

ایران از بازی شد و اینکه سازمان ملل به طور کامل اداره امور عراق را بر عهده گیرد و از آوارگان حمایت کرده و دولت و پارلمان عراق را منحل کند.

■ نگاه سید محمد محمود صرخی به تشیع

در نگاه صرخی، تشیع و گفتمان مذهبی جمهوری اسلامی ایران که به عنوان «تشیع صفوی» از آن نام می برد در راستای تفرقه افکنی میان شیعه و اهل سنت عمل می کند که در تقابل با تشیع راستین و حقیقی قرار دارد که جریان صرخی داعیه دار آن است. او در این زمینه می گوید:

«فشارهایی که به ما وارد می شود به این دلیل است که ما تشیع صفوی را به خاطر سب صحابه رد کردیم و بر تشیع جعفری پای فشردیم. ما سلوک تشیع صفوی در تعرض به خلفاء و همچنین همسران پیامبر و مادران مؤمنین را رد کردیم. ما پروژه ایرانی مبنی بر گسترش امپراتوری سلطه جویانه، طایفه گرایانه و ویرانگر را رد کردیم. در نگاه ایران، اهل سنت همان نواصبی هستند که با اهل بیت دشمنی می ورزند؛ بنابراین، قتل، غارت اموال، هتک حرمت و جنگ با آنها همان پیروی و اطاعت از اهل بیت و خونخواهی امام حسین (ع) و اهل بیت می باشد و آنچه در عراق، لبنان، سوریه و یمن می بینیم، برنامه های عملی این اهداف است.»^۱ وی در بخش دیگری از سخنان خود به گفتمان «ولایت فقیه» حمله کرده و در زمینه جایگاه آن در عراق اینگونه اظهار نظر می کند:

«ستم، بی عدالتی، بیماری، تنگدستی، گرسنگی، عدم امنیت، آوارگی، تبعید، قتل و خونریزی که شیعه عراق دچار آن است؛ آنها را واداشت بر نظام پیشین یعنی حکومت صدام رحمت بفرستند و از ولایت فقیه بگریزند و تنها شبه نظامیان قاتل با ولایت فقیه ارتباط دارند. آیا به ذهنت خطور می کند که شیعه در سایه این ولایت فقیه به وحدت دست خواهد یافت؟! هر شهروند روشنفکری که

۱. مقتبس من اللقاء الذی اجرته صحیفه الشرق مع سماحه المرجع الدینی العراقی العربی السید الصرخی



خیابان‌های عراق را بررسی می‌کند، به این یقین می‌رسد که ولایت فقیه و مرجعیت فرصت طلبِ مزدورِ پیرو آن، هیچ حضوری در میان شهروندان عراقی ندارد و در دسته‌بندی شهروندان عراقی به شدت شکست خوردند.»^۱

یکی از اتهاماتی که سید محمود حسنی الصرخی متوجه جمهوری اسلامی ایران می‌کند، متهم کردن ایران به تفرقه مذهبی میان شیعیان و اهل سنت عراق است. او در این راستا به طرح ایران برای تشکیل امپراتوری اشاره می‌کند و می‌گوید:

«ایران در پی خالی کردن بغداد و استان‌های مجاور آن از اهل سنت است. ایران با این اقدام به دنبال آن است که به پایتخت امپراتوری که آرزوی آن را دارد، برسد. اهل سنت و همه مردم شریف عراق از دسیسه‌هایی که بر علیه این کشور انجام می‌شود آگاه باشند و این را خوب بدانند که آنچه اتفاق می‌افتد، سناریویی است که از زمان اشغال عراق تهیه شده و اکنون در حال اجرا در این سرزمین می‌باشد. مسئله پناهندگان و آوارگان انبار و... و جلوگیری از ورود آنها به بغداد و سایر استانها و بیرون راندن آنهايي که وارد بغداد و سایر استانها شدند، همچنین ارتکاب همه این رسوایی‌ها و جنایات دلایل شناخته شده و روشنی دارد که ما نباید از آن چشم‌پوشی کنیم و باید به یاد داشته باشیم که ایران نویسنده طرح امپراتوری است که پایتخت آن عراق می‌باشد.

ایران از روزهای اول اشغال و قبل از جنایت انفجار حرم امامین عسکریین در سامرا، برای محافظت از مرزهای امپراتوری خیالی خود، با ایجاد درگیری، جنگ و حملات فرقه‌ای اول در سال ۲۰۰۶ و به دست گرفتن ابتکار عمل و ایجاد خطوط دفاعی بی‌شمار به دنبال اجرای این نقشه می‌باشد و مهم‌ترین خط استراتژیک دفاعی آن، تغییر ترکیب اجتماعی بر روی زمین است در راستای دور نگه داشتن هر چه که احتمال می‌دهد برای مرزها و طرح‌های خطرناک باشد. به همین دلیل با تمام نیرو برای خالی کردن استان‌های مرکزی، جنوبی و بغداد از



برادران اهل سنت ما تلاش می‌کند، با این بهانه که آنها تروریست یا حمایت‌گر تروریست‌های القاعده و داعش، بعثی‌ها، طرفداران صدام، عرب‌ها و ملی‌گرایان ضد طرح امپراتوری ایران هستند؛ بنابراین باید این خطر از طریق ایجاد وحشت در اهل سنت و دور کردن آنها از استان‌های یادشده در راستای امنیت جبهه داخلی این بخش از امپراتوری و پایتخت آن، از ریشه کنده شود.^۱

وی ادامه می‌دهد: «ایران اعلام کرد که نه تنها بغداد، بلکه همه سرزمین عراق پایتخت امپراتوری او می‌باشد. بنابراین باید همه گردها، اهل سنت و شیعیان از این نیت ایران آگاه باشند. ایران تلاش می‌کند تا همه سرزمین عراق از جنوب، مرکز، شمال تا شرق و غرب را در اختیار بگیرد. ایران همه عراق را می‌خواهد و با تمام نیرو برای دستیابی به این سرزمین با شعله‌ور کردن فتنه قومی مانند فتنه ۲۰۰۶ تلاش می‌کند و به دنبال آن ایران می‌تواند قدرت خود را تحمیل کند و بحران به پا خاسته در کردستان ایران را به عراق منتقل کند و افکار عمومی و جهانی را به رویدادهای عراق مشغول سازد.»^۲

همچنین او می‌گوید: «نقشه ایران برای شعله‌ور کردن آتش بحران‌ها و فتنه‌های قومی با هدف بلعیدن عراق و دستیابی به طرح امپراتوری است. اظهارات اخیر مقامات ایرانی نشان‌دهنده موضع ایران در مورد عدم تمایل به تقسیم عراق است. ایران اجازه تقسیم عراق را نمی‌دهد، چرا که به معنای تقسیم پایتخت او است. آیا آخرین اعتراف ایران را شنیدید: که ما هرگز اجازه تقسیم عراق را نمی‌دهیم؟ سبحان‌الله ایران از کی وحدت عراق را می‌خواهد؟ و به منافع عراق توجه دارد؟ در حال حاضر راست می‌گوید برای این که راضی نمی‌شود کسی پایتخت جاودانه امپراتوری‌اش را تقسیم کند. او وحدت عراق را می‌خواهد

۱. نداء الی الشعوب العربیه (اقول لابنائی و اعزائی الشعوب العربیه: احذروا الفتن و...) مقتبس من اللقاء الذی اجرتہ صحیفه الشرق مع سماحه المرجع الدینی العراقي السید الصرخی الحسنی ۲۰۱۵/۳/۱۷:

<http://www.al-hasany.com>

۲. twitter.com/alsarkhyalhasany





و برای یکپارچگی آن تلاش می‌کند و تا زمانی که آن را پایتخت امپراتوری خود نکند در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. طرح آشتی که ایران و هم‌پیمانان آن مطرح می‌کنند، تنها به مانند پاشیدن خاکستر در چشم‌ها و تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی و اهل سنت است. ایران برای دستیابی به اهدافش از طریق شبه‌نظامیان و کسانی که جنایات هولناکی در حق اهل سنت و شیعیان مخالف نقشه‌های ایران مرتکب شدند تلاش می‌کند. دلیل همه این جنایت‌ها و تجاوزها به پیامد مواضع اهل سنت و شیعیانی برمی‌گردد که مخالف دخالت و تسلط ایران بر عراق هستند. تا زمانی که دولت و مردم مطیع هستند و قدرت و اراده تصمیم‌گیری در برابر حمله و گسترش نفوذ شدید ایران را ندارند، گسترش نفوذ ایران هرگز متوقف نمی‌شود. با توضیح این که سیاست و حکومت سلطه‌جویانه و طرح‌های امپراتوری توسعه‌طلبانه، برای حفظ موجودیت، قدرت و طرح‌هایش هر کاری انجام می‌دهد و حقایق را وارونه جلوه می‌دهد.^۱

باید جبهه جنگ بین ایران و دولت اسلامی (داعش) را باز بگذاریم تا در این جنگ شاخ به شاخ شوند و همدیگر را بکشند، تا آن که مثلاً وارد استان دیالی شوند و یکی خون دیگری را بریزد و ما منتظر نتیجه جنگ می‌مانیم و در عین حال در مورد کسی که از میان آن دو باقی می‌ماند، تصمیم می‌گیریم. ما آماده نیستیم زندگی فرزندان و عزیزانمان را با تشویق آنها به جنگی که در آن دخالتی نداریم، به خطر بیندازیم؛ جنگی که تمام آن خسارت و نابودی ما است و ما راضی نمی‌شویم هیزم آتش درگیری‌های نیروهای اشغالگر غاصب و حریص در ربودن عراق و به بردگی گرفتن ملت عراق بشویم.^۲

■ نگاه صرخی به حشد شعبی

«سیدمحمود حسنی الصرخی» تنها اتهامات خود را متوجه جمهوری اسلامی ایران

۱. متن کامل در سایت: <https://www.al-hasany.net> (ضمن سلسله محاضرات تحت عنوان تحلیل موضوعی فی العقائد و التاريخ الاسلامی)

۲. [youtube.com/user/2alhasany](https://www.youtube.com/user/2alhasany)





نساخته و هر شخصیت، نهاد و مجموعه عراقی که شائبه وابستگی یا ارتباط آن با جمهوری اسلامی ایران وجود دارد را در تیررس اتهامات خود قرار می‌دهد.^۱ یکی از این نهادها بسیج نیروهای مردمی عراق است؛ نهادی که با جانفشانی خود در مقابل داعش، سرزمین عراق را از لوٹ وجود آنها پاک کردند. او در بخشی از اتهامات خود علیه حشد شعبی بیان می‌دارد:

«حشد شعبی گروه شکل‌یافته توسط استبداد ایران است. حشد شعبی گروهی مردمی نیست، بلکه بسیج استبداد ایران است که با تکیه بر فرقه‌گرایی و مذهب‌گرایی فعالیت می‌کند و وجهه قانونی و اخلاقی پسندیده‌ای ندارد. هدف حشد شعبی سوق دادن مردم عراق به جنگ با برادرانشان در کشور خود است. حشد شعبی در واقع حشد ایرانی سلطه‌جویانه است که با تکیه بر تفرقه و مذهب‌گرایی که از لحاظ دینی و شرعی مذموم است در راستای ایجاد تفرقه میان مردم عراق حرکت می‌کند.»^۲

وی در ادامه، حشد شعبی را عامل دست ایران دانسته و در این باره می‌گوید:

«ایران خواستار گردآوری شیعه و به خدمت گرفتن آنها در جهت اجرای برنامه‌های توسعه‌طلبانه و بازگشت امپراتوری نابودشده خود است. نمی‌توان وجود فیزیکی نیروهای نظامی ایران همراه با تجهیزات امنیتی و اطلاعاتی در عراق را اثبات کرد. بله، می‌توان گفت که حقیقت نشان می‌دهد ایران هزاران عراقی هواخواه خود را استخدام کرده و مجهز به تجهیزات نظامی، اطلاعاتی و امنیتی می‌کند که با فرمانبرداری و اخلاص در خدمت ایران هستند؛ به همین دلیل تا زمانی که توسط عراقی‌ها به این اهداف دست می‌یابد، نیازی به عهده‌دار شدن هزینه تجهیزات، کادر ایرانی و حضور در عراق ندارد.»^۳

۱. حوار خاص، من علی شاشه قناه التغيير، الاثین ۲۰۱۵/۸/۷

۲. المرجع الدینی العراقي السيد الصرخي الحسني، لصحيفة الشرق ۲۰۱۵/۳/۱۷

۳. المرجع العراقي السيد الصرخي الحسني، لصحيفة الوطن المصرية، يتشر في:





■ نگاه صرخی به علما و مراجع ایرانی در عراق

در زمینه نگاه جریان صرخی به مرجعیت و نهاد حوزه باید به این موضوع اشاره کرد که وی طرفدار دیدگاه مرجعیت عربی در مقابل مرجعیت غیرعرب به‌ویژه مراجع فارسی نجف اشرف است. این دیدگاه وی که در هماهنگی کامل با دیدگاه حزب منحل‌ه بعث مبنی بر قرار دادن مرجعیت عربی در مقابل مرجعیت فارسی قرار داشته و بر همین اساس، مرجعیت «آیت‌الله سیستانی» به‌عنوان مرجع غیرعرب و غیرعراقی^۱ در تیررس سخت‌ترین حملات از سوی جریان صرخی قرار می‌گیرد. او آیت‌الله سیستانی را به‌عنوان عامل جمهوری اسلامی ایران و اقدامات وی را در راستای اهداف توسعه‌طلبانه امپراتوری ایران می‌داند. صرخی در این باره می‌گوید:

«گفتمان مذهبی شیعی در عراق وجود ندارد. گفتمان مذهبی موجود در عراق یک گفتمان کاملاً ایرانی است و هیچ ارتباطی به مذهب شیعه ندارد و تنها در راستای سیاست حکومت ایران و تأمین امنیت ملی سلطه‌جویانه آن حرکت می‌کند. ما تحمیل مرجعیت فارسی و همچنین تحمیل حوزه فارسی و رجال دین فارسی را رد کردیم و بر مرجعیت و حوزه عربی تأکید داریم. حوزه نجف، حوزه عجمی است. مرجعیت سیستانی بدترین مرجعیت در طول تاریخ است. مرجعیت سیستانی بدترین مرجعیت شیعه در طول تاریخ گذشته و آینده است و ممکن است بدتر از آن تا روز قیامت ظهور نکند. ایران با وجود این شکست سنگین، به روش‌های مختلف کنترل کلی بر نمادهای دینی و مراجع بی‌مایه فرقه‌گرای فرصت‌طلب فارسی و... را به دست گرفت و در هر کجا و هر زمان که خواست شروع به فعالیت کرد و از این طریق همه شهروندان عراقی چه شیعه و چه سنی را کنترل کرد.»^۲

۱. ان مرجعیه السیستانی هی الاسوا و الاسوا علی الشیعه علی طول التاریخ الحاضر و الماضی و المستقبل، و ربما لا یتظهر اسوا منها الی یوم‌الدین، الاثنین ۲۰۱۵/۸/۱۷، المرجع الدینی العراقی العربی السید الصرخی الحسنی من علی شاشه قناه التغییر الفضائیه.
۲. مقتبس من بحث: السیستانی ما قبل الهد الی ما بعد‌اللحد، المحاضره الثالثه، ضمن سلسله بحوث محاضرات تحلیل موضوعی فی العقائد و التاریخ الاسلامی، ۱۱ رمضان ۱۴۳۷-۲۰۱۶/۶/۱۷

او در ادامه سخنان خود به اقدامات آیت‌الله سیستانی در عراق اشاره کرده و اینگونه اظهار می‌کند: «سیستانی توانست زمینه حضور اشغالگر و همچنین همکاری با آنها را فراهم کند. در این زمینه حاکم مدنی ایالات متحده بیان داشت: به لطف تصمیم حکیمانه آیت‌الله سیستانی که از شیعیان به‌عنوان اکثریت جمعیتی مردم عراق خواست تا با نیروهای اشغالگر همکاری کنند و این لطف بزرگی در حق ماست. سال‌های طولانی جنگ هشت ساله با ایران، بمباران عراق توسط آمریکایی‌ها و هم‌پیمانانش، جنگ دوم و سوم خلیج فارس و ویرانی این جنگ‌ها در مقابل آن ویرانی که به دلیل فرماندهی شیستانی، فاسد، ویرانگر و کشنده سیستانی در عراق حاصل شد ناچیز به شمار می‌رود.»^۱

نتیجه‌گیری

عراق میدان رقابت بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای است. در این رقابت آمریکا، عربستان و امارات مهم‌ترین مخالفان افزایش نفوذ ایران در عراق هستند. عراق در شرایط کنونی کشوری نیازمند بوده^۲ و خواهان گسترش روابط خارجی است. از سوی دیگر، عراق کشوری ثروتمند است و هدف مطلوبی برای دولت‌های خارجی به شمار می‌آید که برای یافتن بازارهای جدید تلاش می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان همسایه عراق که روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی بسیاری

۱. سلسله محاضرات تحلیل موضوعی فی العقائد و التاريخ الاسلامی: <https://www.al-hasany.net>

۲. چندین سال تحریم‌های کمرشکن در دوران صدام و چندین جنگ (هشت سال جنگ با ایران، جنگ عراق و کویت و در پی آن حمله آمریکا به عراق، حمله و اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، درگیری با داعش از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸) باعث شد تا بسیاری از زیرساخت‌های عراق در معرض نابودی قرار گیرد. اکنون عراق با مشکلات شدیدی در حوزه برق، آب، خدمات عمومی، اشتغال و... مواجه است. از این رو، این کشور نیازمند ارتباط با دیگر کشورها و شرکت‌های بزرگ صنعتی است تا بتواند بر حل این مشکلات فائق آید. از طرفی دیگر، عراق با جمعیتی حدود ۳۵ میلیون نفر و تولید بیش از ۴ میلیون بشکه نفت در روز دارای ثروت قابل توجهی است. سال‌ها ناامنی در عراق موجب شد تا بازار عراق خالی از رقابت‌های تجاری باشد، اما امروز که عراق از لحاظ امنیتی شرایط بهتری دارد این بازار بکر آماده بهره‌برداری بازیگران بیرونی است. اکنون بازار عراق خلأهای بسیاری دارد که موجب می‌شود تا تجار دولتی و خصوصی نگاه ویژه‌ای به آن داشته باشند.



در سطوح مختلف با این کشور دارد، یکی از بازیگران خارجی این عرصه محسوب می‌شود. در این صحنه رقابت، ظرفیت‌هایی برای هر یک از بازیگران خارجی وجود دارد که با بهره‌برداری از آن می‌توانند در جهت نیل به اهدافشان گام بردارند. جریان‌ها و گروه‌های عراقی معارض جمهوری اسلامی ایران در عراق یکی از ابزارهایی هستند که رقبای خارجی ایران در این کشور می‌توانند از آنها علیه منافع ایران و در جهت منافع خود استفاده کنند. این جریان‌های معارض برای افزایش قدرت و پیشبرد اهدافشان از حمایت‌های خارجی استقبال می‌کنند. این مساعدت‌ها در قالب کمک‌های مالی، رسانه‌ای، سیاسی و... ارائه می‌شود.^۱

جریان‌های معارض به‌طور کلی از همه ظرفیت‌های رسانه‌ای موجود در راستای نیل به اهداف خود بهره می‌برند. بنابراین در ابتدا نیاز است که رسانه‌های اثرگذار در کشور هدف احصاء شود. امروزه فضای مجازی در عراق جایگاه ویژه‌ای دارد. فیس‌بوک، اینستاگرام و یوتیوب از رسانه‌های تأثیرگذار و مورد استفاده جامعه عراقی هستند. اکنون آمریکا و عربستان هر کدام یک شبکه تلویزیونی در عراق دارند که این امر به سبب ضعف اقتصادی بازیگران خارجی رقیب ایران نیست، بلکه اقبال مردم نسبت به شبکه‌های تلویزیونی بیش از این نیست. آمریکا، عربستان و تا حدودی ترکیه به دنبال افزایش کیفیت برنامه‌ها در شبکه‌های تلویزیونی محدود هستند و به جای آن فعالیت چشمگیری در شبکه‌های اجتماعی دارند. شبکه‌های اجتماعی و تلویزیونی آنها نقش هم‌افزا برای یکدیگر را بازی می‌کنند.^۲

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران به بازتعریف رویکرد فرهنگی خود نسبت به عراق نیاز دارد. ضرورت دارد که جمهوری اسلامی ایران در عرصه

۱. با نگاهی اجمالی به این صفحه شطرنج‌گون، در می‌یابیم که برای انجام هرگونه اقدامی در جهت مقابله با این جریان‌ها، ظرفیت‌های بیشماری نهفته است که ضرورت دارد در تشخیص مسائل و چگونگی اتخاذ مواضع و رویکردها از نظرات کارشناسان خبره در عراق بهره بیشتری گرفته شود.

۲. با توجه به اقبال و استفاده مردم عراق از شبکه‌های مجازی، بازیگران خارجی در شبکه‌های تلویزیونی برنامه‌های اصلی خود را ارائه می‌دهند و شبکه‌های مجازی نقش تبلیغاتی برای این برنامه‌ها و حتی سیاست‌های جنبی آنها را دارد.



فرهنگی با به روزآوری تاکتیک‌های فرهنگی خود، همگام با تغییر و تحولات در عراق در تحقق راهبرد کلان خود تلاش کند. جمهوری اسلامی ایران دستاوردهای بسیار خوبی در ایجاد ارتباط با رهبران احزاب، شیوخ عشایر و اشخاص بانفوذ در عراق دارد. در سیاست خارجی به‌کارگیری دیپلماسی عمومی و ارتباط با بدنه اجتماعی^۱، یکی از اهداف اصلی به شمار می‌رود. امروزه نیاز اساسی جمهوری اسلامی ایران در عراق «تقویت نفوذ فرهنگی در میان مردم عراق» است. یکی از راهکارهای ایران برای مقابله با اثربخشی جریان‌های معارض در عراق، افزایش نفوذ فرهنگی می‌باشد که در این زمان اهمیت بسیاری پیدا کرده است.

مرجعیت

باید با تلاش‌های جریان صرخی برای آسیب رساندن به وجهه مرجعیت اعلی در عراق مقابله شود. علاوه بر لزوم شناخت رسانه‌ها و فعالیت در این مسیر، ضرورت دارد به برخی از ظرفیت‌های موجود در عراق توجه بیشتری صورت گیرد. به نظر می‌رسد ظرفیت‌های خوبی در حوزه نجف وجود دارد که می‌توان با حمایت از آن بخشی از تکلیف حمایت از مرجعیت عالی عراق را به این حوزه محول کرد. همانگونه که جریان‌های مخالف در داخل عراق برای تخریب چهره مرجعیت تلاش می‌کنند، لازم است جریان علمی توانمندی در عراق ایجاد شود تا علاوه بر رفع شبهه از مرجعیت اعلی، به روشنگری در رابطه با جریان‌ات مخالف بپردازد. وجود چنین جریانی در داخل عراق با توجه به آشنایی کامل با محیط آن می‌تواند سودمند باشد.

نخبه‌یابی در حوزه‌های علمیه

از برجسته‌سازی یا برندسازی چهره‌های حوزوی همسو با جمهوری اسلامی ایران می‌توان به‌عنوان راهی دیگر برای خنثی‌سازی تهدیدات جریان‌هایی مانند



صرخی استفاده کرد. علمای برجسته که اقبال عمومی داشته باشند علاوه بر اینکه می‌توانند سدی در مقابل مرجعیت اعلی باشند، می‌توان گزینه جایگزین آیت‌الله سیستانی را نیز از میان آنها شناسایی کرد. با توجه به شرایط عراق که مراجع متعدد از گوشه‌کنار این کشور با ادعاهای مختلف سر بلند می‌کنند، جمهوری اسلامی ایران باید برای دفاع از اسلام و مذهب شریف تشیع، از علمای وارسته و دارای ویژگی‌های ممتاز حمایت کند.

نخبه‌یابی در عرصه تبلیغاتی

ظرفیت‌های مختلفی در فضای عراق وجود دارد که می‌توان با تقویت آنها در راستای تعمیق نفوذ، مقابله با جریان‌های معارض مانند صرخی‌ها و در نهایت تأمین منافع ملی ایران بهره‌گرفت. عراق کشوری با جمعیت حداکثری شیعه، معتقد و دوستدار اهل‌بیت (ع) است. این شور و اشتیاق در اربعین هر سال قابل مشاهده است؛ علاوه بر این که همین بستر خود به خود زمینه نفوذ و نزدیکی میان دو کشور را فراهم می‌کند، برخی پتانسیل‌ها در این میان جایگاه ویژه‌ای دارند. مداحان تأثیر بسزایی بر جوانان پرشور عراقی دارند و شناسایی افراد دارای ظرفیت‌های بالا و حمایت از آنها می‌تواند در زمان‌های مختلف کارایی خود را نشان دهد.

باید توجه داشت که جمهوری اسلامی ایران خدمات فراوانی به کشور و مردم عراق ارائه کرده و علاوه بر حمایت از مردم در مقابل داعش، از تجزیه عراق^۱ نیز جلوگیری کرده است. این نکته مهمی است که خدمات و مساعدت‌های جمهوری اسلامی ایران در بستری مناسب به اطلاع و پذیرش مردم عراق برسد. جوانان بخش زیادی از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند و با حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد در داخل عراق که دارای جذابیت‌های عامه‌پسند هستند،



۱. جمهوری اسلامی ایران با قدرت در مقابل همه‌پرسی اقلیم کردستان، که مقدمه استقلال اقلیم از عراق بود، ایستادگی کرد و مانع تجزیه کشور عراق و تضعیف دولت شیعی آن شد.

می‌توان زمینه جذب جوانان نخبه را فراهم کرد و در قالبی با رعایت ظرافت‌های فرهنگی این امکان را ایجاد کرد تا آنچه جریان‌های مخالف به ایران نسبت می‌دهند در وهله نخست به آن پاسخ داده شود تا مورد استقبال عموم قرار نگیرد و در نهایت از پتانسیل‌های ایجادشده می‌توان در عرصه‌های مختلف استفاده کرد.

منابع و مأخذ

- بوادر النصر، (٢٠١٥)، المرجع العراقي العربي الصرخي الحسنی (الآن بعض السياسيين بعض المسؤولين فى الدوله التفتوا الى هذا الامر ظاهرا الان خذوا خطى متسارعه او خطى متواضعه مبتعدين عن ايران مقتربين الى الاميركان و الى الحلف الاخر و... اذا بقيت الحياه و بقينا فالقادم سيكون على ايران ستشضى ايران ستنتهى ايران ستنهيار ايران اسرع من انهيار الموصل امام الدواعش...

<http://www.al-hasany.com>

- صرخى (٢٠١٨)، من على شاشه قناه التغيير الفضائيه، الاثنين ١٧/٨/٢٠١٥:

<http://www.al-hasany.com>

- وكالة اخبار العرب (٢٠١٥)، و ينتشر على

- plus.google.com/+alhasany

- <https://www.facebook.com/alsrkhy.alhasany>

- صرخى (٢٠١٨)، نداء الى الشعوب العربيه (اقول لابنائى و اعزائى الشعوب العربيه: احذروا الفتن و...) مقتبس من اللقاء الذى اجرته صحيفه الشرق مع سماحه المرجع الدينى العراقي السيد الصرخي الحسنی ١٧/٣/٢٠١٥